



مرکز آموزشی درمانی حضرت زینب (س)
کمیته آموزش

عنوان

سلامت شخصیت



گرد آورنده: سمیه اسماعیلی

روانشناس بالینی

۵

۷- متناقض بودن گفتار و رفتار

یک فرد صادق کسی است که بین گفتار و رفتارش هماهنگی تقریباً کاملی وجود دارد زمانی که شخصی چند بار به شما قولی می دهد و هر بار به تعهدش عمل می کند این کار وی باعث می شود که اعتماد شما به او بیشتر شود در افراد مبتلا به اختلال شخصیت به دلیل عواطف سطحی و عدم پایبندی به مسائل اخلاقی اختلاف بین حرف و عمل بسیار زیاد است. این مطلب در طولانی مدت سبب از بین رفتن اعتماد شریک زندگینسبت به فرد می شودین نکته را نیز مد نظر داشته باشیم که همه افراد دارای ویژگی هایی هستند که ممکن است از نظر ما پسندیده نباشند، تنها در صورتی این ویژگی ها مشکل جدی ایجاد می کنند که به صورت مداوم مشاهده شوند و جزئی از رفتار عادی فرد باشند

منبع: شناخت و عاطفه جنبه های بالینی و اجتماعی، قاسم زاده

۴

۵- عواطف و احساسات سطحی

احساسات و هیجان های افراد مبتلا به اختلالات شخصیت سطحی و متغیر است. این افراد نمونه بارز جمله " امروز عاشق است و فردا فارغ " هستند. از آنجایی که خیلی زود ناراحت می شوند، ممکن است در عرض چند لحظه عشقشان تبدیل به نفرت شود و همسر خود را چنان مقصر بدانند که بدون هیچ توضیحی وی را برای همیشه ترک کنند.

۶- متعهد نبودن به اخلاقیات

افراد مبتلا به اختلال شخصیت با افتخار و به کرات جمله " من هر کاری که بخواهم انجام می دهم " را به کار می برند و در عمل هم برای رسیدن به اهدافشان از هیچ کاری رویگردان نیستند. آنها مرزهای فردی و اجتماعی محدودی برای خود قائل هستند و به این جمله " هدف وسیله را توجیه می کند " اعتقاد دارند

صفات شخصیتی الگوهای پایداری از ادراک، برقراری ارتباط و تفکر درباره محیط و خویشتن هستند که در گستره وسیعی از زمینه های شخصی و اجتماعی ظاهر می شوند. تنها هنگامی که ویژگی های شخصیتی انعطاف ناپذیر و ناسازگار باشند و موجب اختلال قابل ملاحظه در عملکرد و روابط فرد یا پریشانی ذهنی وی شوند، اختلالات شخصیت را تشکیل می دهند. این ویژگی ها عبارتند از:

۱- خودمحوری

یک فرد دارای سلامت شخصیت هنگام تصمیم گیری به همان اندازه که نیازها و خواسته های خودش را در نظر می گیرد، نیازها و خواسته های دیگران را نیز مد نظر قرار می دهد. اما افراد مبتلا به اختلال شخصیت فقط و فقط به خواسته های خودشان فکر می کنند و بر مبنای آن تصمیم می گیرند. این رفتار در روابط این افراد نیز مشهود است. و زمانی که تصور کنند، رابطه دیگر برایشان سودی ندارد، به راحتی به آن خاتمه می دهند

۲- نپذیرفتن مسئولیت شخصی برای رفتارهای نامطلوب

افراد مبتلا به اختلال شخصیت تقریباً هیچ گاه مسئولیت رفتارهای ناپهناجر خود را نمی پذیرند. آنها دیگران را سرزنش کرده، کارهایشان را توجیه می کنند، ادعا می کنند که سوء تفاهمی پیش آمده، و سپس چنین وانمود می کنند که قربانی شرایطی که در آن قرار دارند، هستند. افراد مبتلایی که به طرف مقابلشان آسیب جسمانی می زنند، معمولاً فرد قربانی را مقصر می دانند. مثلاً می گویند: "تقصیر خودت بود. چرا اینقدر مرا عصبانی می کنی که مجبور شوم دست رویت بلند کنم؟" این جنبه از اختلال شخصیت به ویژه هنگامی که فرد مبتلا والد باشد، بسیار آسیب زننده است. این گونه والدین به خاطر بدرفتاری ها و بی توجهی هایشان فرزندانشان را توبیخ می کنند. آنها به فرزندانشان می گویند که مسئول افسردگی، بیکاری، فقر، خشمگینی و دیگر مشکلات والدینشان هستند

۳- توجیه خویشتن

افکار، احساسات و رفتار افراد مبتلا به اختلال شخصیت بهنجار نیست. یا این حال، آنها همه رفتارهایشان را توجیه می کنند. از آنجایی که تصور می کنند قربانی شرایط جامعه یا دیگران هستند، به خود حق می دهند که از دیگران سوء استفاده کنند، دیگران را فریب دهند و با آنها بدرفتاری کنند. افراد بهنجار در اکثر مواقع نمی توانند توجیهات آنها را بپذیرند.

۷- نعطاف ناپذیر بودن نیاز به تغییر

چون اختلال شخصیت، الگوهای پایداری از افکار و رفتار هستند که معمولاً از سنین کم (دوران نوجوانی) آغاز شده اند، فرد به آنها عادت کرده و دلیلی برای تغییر دادن خود نمی بیند. از افراد مبتلا آنها کاملاً سالم هستند و این دیگرانند که باید خود را تغییر دهند